واکاوی عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده آمریکا از برجام

محسن زمانی
مدرس دانشگاه و دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

سید امیر نیاکویی
مدرس دانشگاه روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

(تاریخ دریافت: 97/07/18 - تاریخ تصویب: 98/1/3)

چکیده
تلاش آمریکا برای خروج از توافق هسته ای مسوم به برجام، برنامهای بود که دونالد ترامپ از زمان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سر داشت. در نهایت دولت ایالات متحده آمریکا رسمًا از برجام خارج و براگشت تحريیها به صورت گذشته را اعلام کرد و برای انجام مجدد مذاکرات در صورت تمایل ایران اعلام امادگی نمود. یارش اصلی مقاله حاضر این است که به عواملی در خروج ایالات متحده آمریکا از برجام تأثیرگذار بوده است. فرضیه مقاله از این قرار است: بنیادهای سیاست خارجی ترامپ، تا بندن ماهیت تهبدامیز از ایران بعد از برجام و ایجاد فهم و اگر ه شرکت میان ایالات متحده، اسرائیل و عربستان بر سر تهدید دانست ایران، تقسیم آنها از نظر برجام در تقویت حضور منطقه‌ای ایران و نادیده اگارش اتفاقی بودن این موضوع در متن برجام و از بعد داخلی کشی پس از جمعی اسلامی ایران را باید از جمله مفهوم اساسی در تصمیم دوستان ترامپ بر خروج ایالات متحده از برجام دانست.

واژه‌های کلیدی: موافقت هسته‌ای، انتقال مشترک، سیاست خارجی ترامپ، برجام

Email: mohsen20900@gmail.com

1 نویسندگان مسئول

فصل‌نامه مطالعات روابط بین الملل، سال دوازدهم، شماره 45، بهار 1398، صص. 95–120.
مقدومه

مقابله با ایران و سیاست های جمهوری اسلامی ایران در منطقه، یکی از موضوعات اصلی سیاست خارجی ترامپ در منطقه خاورمیانه بوده است. ترامپ در کمیان‌های انتخاباتی خود بارها از باراک اوباما که گفته بود سیاست‌های وی باعث قدرت یای ایران در منطقه و تهدید‌زایی این کشور در امریکا شده است انتقاد کرده بود. وا مقبالت با نیروهای نظامی ایران در خلیج فارس و تشدید فشار بر ایران به منظور عقب نشینی از سیاست‌های منطقه ای را جزء سیاست‌های اصلی خود برگردانده است. با این حال، محرر سیاست ترامپ در خصوص ایران را می‌توان توافق هسته‌ای ایران و مقابله با آن دانست. ترامپ مانند بسیاری از جمهوری‌خواهان به شدت با توافق هسته‌ای ایران مخالفت کرد و آن را چالش برای آمریکا و متحدانش خواهد داشت. وا انتقادات شدیدی به دستگاه دیپلماسی امریکا در خصوص توافق هسته‌ای با ایران داشته است (اندیشکده تبیین، ۱۳۹۵: ۹). دونالد ترامپ از حزب جمهوری خواه آمریکا و متعلق به جریان راست‌محور این کشور است. این جریان با داشتن نگرشی ایدئولوژیک و در عین حال قدرت محرر، قادر به پارسپوشی امریکا به دوران اقتدار کنسرویست (و استنادگرایی آمریکایی است. در خصوص جمهوری اسلامی ایران، ترامپ به سیاست‌های متناقض جویانه قائل بوده و ضمن اعتقاد به مقابله با نفوذ منطقه ای ایران و برخورد با ماجراجویی نظم‌های ایران در منطقه، خوشتباری را در برجام از طریق مذاکره مجدد، با تولید بیشتری فشارهای جد جهانی اقتصادی است که هم امیر حکیمی از تکان‌دهی‌های ایران تلقی گردید. جمهوری اسلامی ایران از نظر ایالات متحده و هم از ایران مشترک به صورت تهدید دانسته توسط نیروهای نظامی بین‌المللی تصویر شد (این کشورها به طور دو تفاوت که همانند معاونان ایران را در کنار متفق‌های تقسیم‌بندی دیگر مجاب به خروج از برجام کردند); به عبارت دیگر، تهیه نمودن این موضوع منطقه‌ای، چه در امریکا چه در کشورهای دیگر موجب به توافق بین ایران و امریکا می‌شود که به عنوان یکی از چالش‌های این سیاست‌های امریکایی گزارش می‌شود.
واکاوی عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده آمریکا از برجام

۹۷

حال ثابت بوده و شکل آن تغییر کرد. قبل از اجرایی شدن برجام، جمهوری اسلامی ایران، تهدید ترویسی، تهدید حقوق بشری و تهدید هسته ای بوده و بعد از توافق هسته ای احساس تهدید برجام، یا به تهدید هژمونی منطقه ای و بعد از آن تهدید موشکی برخاست شدند و این نجیب‌همچنان ادامه خواهد داشت. بعد از خروج ایالات متحده از برجام این کشور در صدد است با جلب بعضی اجباری، همراهی تعدد قابل توجهی از بازیگران عصره‌یین جعلی و شرکای تجاری ایران، منافع اقتصادی این کشور را تهدید و در واقع ایران را درگیر نوعی تکراري با میلی از باری تحریم کند که به وجوه آن کشور هدف با تسلیم می‌شود. و در رفتار خود ایجاد تغییر با در برای خوشتی کشور تحریم کننده مقامات می‌کند و این چرخه‌ی تا زمانی که یکی از طرفین تصمیم بیانی بخشی با رژیم ادامه می‌یابد. ماهیت باری‌ی تحریم، تکراري و بسیار فرسایش‌ی است. جمهوری اسلامی ایران در دوره باتل کنشگر امتنی‌ی- باری تحریم- محاکه گرفتن آمده است.

1- پیشینه پژوهش

با توجه به بازه زمانی کوتاه رخداد خروج ایالات متحده از برجام، مقاله علمی مدون داخلي (فاطر از توشنارهای روزنامه نگاری) که به متن مستند برداخته باشد وجود دارد. در بعده‌ی آن ترجومه شده و به فارسی مقاله از خروج ایالات متحده از توافقنامه ون پریمانوی برنامه‌های ای ایران یک وضعیت حقوقی منافع مردمی که توسط جمعی از حقوق‌نگاران های فرانسوی تدوین شده و از طرف این نتایج است. اهمیت مقاله در این است که چارچوب حقوقی را که توافقنامه ون در منطق مکمل شده را یادآوری می‌کند و مجموعه ای از راه‌کارهای حقوقی ممکن را در واکنش به کنار گیری از این توافقنامه و مقابله با یک جانبه گرایگر ایالات متحده را پیشنهاد می‌دهد. به اعتقاد نویسندگان این راه‌کارها می‌توانند در قلب ارگ سیاسی دیوان بین المللی دادگستری، سازمان جهانی تجارت یا استفاده از قانون انتخاب‌ی اتحادیه اروپا صورت بگیرد (براین و دوگل، ۱۳۹۷).

در مقالات منتشر شده بین المللی می‌توان به مقاله «خروج آمریکا از برجام، سیاسی یا امنیتی» از محمد چرکاشی‌ی اشاره کرد. نویسنده در این مقاله قوانین فرا سرزمینی اتخاذ
شده بعد از خروج آمریکا از برنام را به ضرر توان قدرت در دوسره اتالانتیک می داند و خروج آمریکا از برنام را که توافق نامه بین المنلی بوده و مصوبه شورای امنیت سازمان ملل را داشته، بدعت جدید در نظام بین المنلی می داند و توصیه می نماید از انجا که پای افتادار اروپا در میان است. بیش از هر وقت دیگر زمان آن فرا رسیده است که اروپا دوباره دست به توافق روابط قدرت با ایالت متحده بندند و به ابزارهای لازم برای اجرای افتادار کامل خوش مجهز شود (Cherkaoui, 2018).

آریل لویت در مقاله «توافق امنیت با ایران بد و خروج از آن بدون است» به عوامب خروج ایالت متحده از برنام می پردازد. و عنوان می دارد این پروژه یک برنامه مبهم و بلندمدت بوده، همکاری و همراهی شرکای اروپایی و رقیب جهانی، روسیه و چین را ندارد. اگر هدف آمریکا تغییر رژیم باشد این مسند ایران را در نظر خواهد داشت و گذاری می کند تا مسند ایران را در نظر بگیرد و راه رهبران آمریکا برای هدایت اسیر خواهد داد (Leviet, 2018).

گریت بلانک در مقاله «توافق امنیت های خطنک» توافق با ایران را عملی از دست رفته می داند و از آن به عنوان واقعیت خطنک چند باد می کند و اعتقاد دارد، توافق با ایران موافقین آمیز بوده چون برنامه ایران امنیت مهار شده و تهدیدی برای ثبات منطقه بوده است. به اعتقاد تودنسن ایران به برنامه امنیت خود باز خواهد گشت و با آغاز فرانک غنی سازی صنعتی، با ایجاد سابق و ترس، وقتی های منطقه ای نیز گسترده بپیدا خواهد کرد. این مسئله اتفاق آتلانتیک بین آمریکا و اروپا عمقی تر و رهبری ایانده آمریکا برای حل منافعه های بعدی بین المنلی را با جالش مواجه خواهد کرد (Blanc, 2018).

پری کامان در مقاله «حالا چه می شود» اعتقاد دارد تحول های یک ابزاره و نه الاما درمان تمام مناقشات بین المنلی. تحول های دار در یک پره خاص با همراه اروپا، روسیه، چین و سازمان ملل به خوبی عمل کرده و ایران را به میز مذاکره کشاند و برنامه معنقد شد و در ادامه و با زیر سوال بردن مدل رفتاری مشابه ترابی به کره شمالی در مورد ایران عنوان می کند، که ایران 98 درصد ذخایر اورانیوم و دوسور سانتری فیوزهای خود را از دست داده و کره شمالی ده الی بیست بمب اتم دارد و ایران مهار شده، خطر بالقوه هسته ای برای
جامعه بين المللی نبوده و به همین دليل سیاست تحریم ایالات متحده از اجماع، هم‌سازی و مسوولیت بین المللی بر خوردار نیست و شکست خواهد خورد (Cammak. 2018).

در مقالاتی که به اختصار در بالا آمده با ابعاد حقوقی و فنی خروج ایالات متحده از برجام بردخت شده و یا با نگاه ایندیه بی‌هوانتی تبعات این خروج، موقفیت و یا شکست آن را مورد بررسی قرار گرفته است. اما تمايز مقاله اینجانیان در جهت تبیین و جرایب موضوع عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده از برجام نگاشته شده و استفاده از نظریه رتاییسم تداهی و تحت تأثیر مفاهیم درک مشترک از تهدید ایران و منافع مشترک بین کشورهای خاکی از نواحی های این پژوهش می‌باشد.

2- چهارچوب نظری پژوهش

فهرست رفتار دولت در شرایط آنارشیک و یا فراهم اوردن یک نظریه مناسب برای سیاست خارجی همچنان مهمترین هدف دانش روابط بین الملل به شمار می‌آید. کلان نظریه رتاییسم (واقع‌گرایی) از جمله پارادیام‌های مطرح در روابط بین الملل است که در فراورد تحلیل و تبیین تحولات نظام بین‌الملل دچار مناطق‌های میان پردازی‌ها گردیده و تمره آن ظهور خرده نظریه‌های متعددی از درون آن پیده است (Shipping, 2008). در رتاییسم تداهی، دغدغه امنیت اساسی ترین مسئله است به عبارت دیگر، نگاه رتاییسم‌های تداهی نیز نگاهی کاملاً امنیتی است و در کنار رتاییسم تهاجمی، مطالعات روابط بین الملل را به سمت امنیتی می‌ساند. سوق داده و در واقع این دو روبه‌روی در صدد پاسخ به معما امنیت در نظام آنارشیک بین المللی برآمده و سوال اصلی برای این گروه از رتاییسم‌ها این است که چه مقدار از قدرت برای دولت‌ها لازم و یا کافی است؟ و یا اصول دولت‌ها چه زمایی به پیشینه‌سازی قدرت روز می‌آوردند. پاسخ‌هایی که به این پرسش داده شده این دو نظر رتاییستی را متمایز ساخته است (Kirshner, 2010).

استفاین والت از شناخته شده ترین اندیشمندان وابسته به رتاییسم تداهی است که برای بازشناسی گزاره‌های اصلی و محوری نظریه مواردی قوی بهتر به کوشید. محقق نشدن فرضیه
قسمتهای مطالعات روابط بین الیل، سال دوازدهم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۸

قا علیه هزمون بالقوه ایالات متحده پس از جنگ سرد، استفاده والت را پایداری نخست
تمکرک واقع گردی از موارد ذهین به موارده به تقدیر سه تای آن گونه بتواند گره کور
نووقع گرانی را کوچند (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۱). والت با نقد اصل موارده قوا و با طرح نظریه
میزان تهیه بیان کرد آنچه باعث حکمت کشورها به سوی توانین می شود، میزان تهیه
است که ادراک می کند (مذکرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

از دیدگاه وی دولت ها در مقابل کشورهایی که مشاهده داشتند تهیه می
شوند. در این حال لازما دولت با دولت های تهیه کنندگه جزء قوی ترین دولت ها نیستند.
وی تهیه دیده را افزون بر قدرت، ترکیبی از مشکو عوامل مانند توانایی نهایی، قدرت نظامی،
نوزدیکی جغرافیایی و به ویژه نیات و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی منابع وی از
به تهیه فقط به میزان قدرت دولت ها بنگذی ندارد بلکه برداشت دولت ها در روابط شان از
به تهیه مد نظر است. هرگاه دولت ها احساس کنند که موجب قدرت در باز منافع آنها از سوی دیگر
دولت ها با تهیه روابط با اتحادی به کدنگی به موارده در برای آنها می برند (Walt، ۱۹۸۷: ۲۸).

بر این اساس از منطق توانای وی فقط عنصر قدرت باعث رفتار موارده گر نمی شود و موارده
تهید، مفهومی جامع تر و با قدرت تبیین کندگی بالاتری است و قاعدتا اصلی رفتار موارده
ای سیاست خارجی است (اسدی، ۱۳۸۶: ۲۳۷). موضوع ادراک و احساس تهید در نظریه
والت بر خشک دیگر از نظریه اش که انتقال برای موارده در مقابل تهیه حاضر موضع هدف مقدم است
به صورتی که این قسمت از نظریه والت آن را از ابعاد مادی گرایانه دور و رویکردهای سازه
انگارنها و معنی گرانه را در ذهن مبتدی می کندکه از مفهوم تهید ناشی می شود و بیش از
مفهوم قدرت مجازی را است (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۴). مثلا بر اساس وجه سازه ای گرانه تهیده
میزان تهیه، معامل امکانی فقط از واقعیت که هر دو کشور صاحب سلاح های اتمی
هستند ایجاد گردی شود بلکه یکنون داره به اینکه آن ها چگونه همیگردی را می تگردند
(سجادپور و افتخاری، ۱۳۸۹: ۵۵). نگرش بازیگران آتی نظام جنگی در زمینه می به کشورهای
انقلایی نه فقط با دلیل برخورداری آنها از تکنولوژی هسته ای با دارا بودن سلاح اتمی است

بلکه به دلیل خواسته‌های هاوانش که خواهان تغییر وضع موجود نظام بین‌المللی هستند تهدید آمیز هستند. از این‌رو، تغییر وضع موجود باشند آن‌گاه زمینه را برای میزانی های عكس عملی در جامعه موازنه تهدید را حاصل کرده است. نباید آن‌چه روبه‌روش معطوف به انتقاداتی گری تلقی می‌شود با واکنش های عكس عملی پیچیده و متنوع بازی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همراه خواهد شد.

(Walt, 1987: 26)

بر اساس نظریه والت، برای فهم اینکه چرا دولت‌ها به منافع‌های یکدیگر می‌پردازند یا اقدام به همکاری می‌نمایند باید دید که این دولت‌ها چه تصویری از منافع خویش و محیطی دارند که در آن زندگی می‌کنند. این تصویرها چگونه کسب می‌کند و چگونه این تصور تبدیل به خط مسیری های سیاسی – دفاعی مشخصی می‌شود (حاجی بوسفتی، 1382:131). همیشه از طریق دخالت مستقیم در مرز‌بندی‌های هویتی به شکل دادن به درک کارگزاران از تهدید و خلق هویت هایی که از نظر دیگران تهدید آفرین هستند، امیت دولت‌ها و انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به علاوه دولت‌ها از طریق فرانک انتی‌سرای است که دولت‌های دیگر را به عنوان سرچشمه تهدید‌های دیگر می‌دانند. برای یک‌سو بی‌خیزی به آنها به عنوان «دیگری خطرناک» اقدامات خاص و خارج از روابط های روزمره را لازم می‌نمایند و موافقیت های استثنایی را تعیین می‌نمایند (مشیرزاده و مسعودی، 1382:1386). و از انتخاب‌های هر حکومتی یک کد اجتماعی است که هویت خاص آنها را نشان می‌دهد و کنش‌های سیاسی آنها را تقویت می‌نماید و نشان دهنده ترجیحات ارزشی حکومت است. نباید این انتظار داشته باشیم که تهدید وجودی کشورهای منطقه‌ای علیه ایران در راستای پیشینه سازی ترکیبی این ارث‌ها و ترجمه‌های نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد. بعضی کشورهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را به عنوان تهدید و سرچشمه تاملی برای خود تصویر نموده و با هویت بخشی به آن به عنوان یک دشمن که به دنبال ناپایداری آن هاست راه‌بردهای خود را عملیاتی می‌کنند. نباید تهدیدات خارجی عامل عمده‌ای در شکل گیری اتحادها هستند و تهدیداتی که موجودیت یا منافع دولت‌ها به ویژه ان‌ها که
فصل‌های ابتدایی، سیاسی و اقتصادی مشترک داشته باشند که با تأیید می‌دهد. نامبراین برای شکل‌گیری اتحاد باند ایجاد دو عامل برای تهیه مشترک و منافع مشترک وجود داشته باشد (قوق ومیمانی، 1939:123-139:8).

3-بحث اصلی

3-1- بنیادهای سیاست خارجی ترمب

به نظر می‌رسد درحال تنظیم و تدوین این، ترمب به‌طور مستقل، و به‌طور عملی، از سیاست‌های خارجی آمریکا استفاده می‌نماید. ترمب بدون این که سابقه ای در کارهای دولتی و حکومتی داشته باشد، در انتخابات حضور یافت و به رغم مخالفت با سیاست‌های آمریکا به پیروی سیاسی و سیکانت اداره بزرگترین تغییر سیاستها را در اختیار گرفت. ترمب به‌طور مفهومی با سیاست‌های آمریکا آرزوی است و نه به اصول پذیرفته شده سیاست‌های خارجی به‌پای می‌دهد. ترمب از مشورت با سیاست‌های سیاسی، اطلاعاتی و فکری آمریکا نیست و به شدت ضد سیاست و خودمحمور است. از این نظر، دست کم جهت و پذیرش جمهوری آمریکا در مسائلی مثل کارکندهای در کاخ سفید به شمار می‌آید (MaAdams، 2016).

کلیه ترمب، تندروترین کابینه آمریکا دست کم در دو دهه اخیر است و در آن جنگ طلب ترین و افرادی ترین افراد حزب جمهوری خواه جمع شده اند. آنها نسبت به کابینه اوباما به شدت ایدئولوژیکتر هستند. در این جمع، اکثریت با زنگ‌بازی هاست و در پس زمینه ذهنی آنها اغلب آنها در مورد هر مسئله ای، گزینه نظامی تقسیم بندی ای دارد و یزگی دیگر کابینه ترمب این است که این افراد نسبت به جمهوری اسلامی ایران نگاه خصمانه دارند. اکثر زنگ‌بازی که در سیاست‌های ترمب مؤثر هستند، در محيط راهبردی ایران از جمله در عراق و افغانستان حضور داشتند و بر این باور هستند که سیاست آمریکا اقتصاد است. ایران که از عوامل اصلی شکست آمریکا در این دو کشور به شمار می‌آید. آنها دشمن قابل توجهی نسبت به ایران دارند. در رأس آنها، مایکل اولنی بود که دوره ای و بسیار کوتاه بود و به دلیل داشتن ارتباط با سفارت روسیه، ناگزیر استعفا داد.
واکاوی عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده آمریکا از برجام

ماکی پنس، معاون اول رئیس جمهور روسیه، بعدها با ماکی پومیتو رئیس سازمان سیا جاپنیز و ژاپن، جنرل میتسی، وزیر دفاع ایالات متحده، جنرل مک مستر که بعدا با جان پولتون جاپنیز و ژاپن و استینون منوچین وزیر خزانه داری و نیکی هیلی نماینده این کشور در سازمان ملل، مهم ترین افرادی هستند که در شکل گیری سیاست خارجی و راهبرد امنیت ملی آمریکا بر عهده ایران بسیار مؤثر هستند (Berman, 2017).

از این منظر، منطق سیاست خارجی آمریکا به واقع گزاری نزدیک می‌شود. منطق واقع گزاری بسیار نظامی گراس و قدرت نظامی و استفاده از زور را ناشی از تبعید امتناع نابدیر ماهیت سیاست های جهانی می‌داند (کالاهان، 2017:1383).

با بررسی سیاست‌های اعلامیه و عملیاتی می‌توان استدلال کرد که به هر ترتیب وضعیت پیرو انتخابی جدید است. نوازنداگرایی خواستار یافتن یک کشور برای استفاده از تعداد سیاست‌های خارجی است. اما طبیعی است که این ممکن است و یکی جزء برخی از تعداد سیاست‌های خارجی را نیز پیشنهاد می‌کند (216:2016). به عبارت دیگر نوازنداگرایی نوعی، به بین‌المللی گزینشی است، که نه انتخابی مطلق.

(کالاهان، 2017:1393).

بر اساس این سیاست نوازنداگرایی یک سیاست خارجی منتقد محور با نوعی راهبرد خودداری است. از نظریاتی بازی برای تطبیق با واقع گزاری برخوردار است. شبیه یکی، نوازنداگرایی با پیگیری نوعی دنباله‌گیری غیر تحدید در عرصه سیاست‌های خارجی، آمریکا را از زندگی سازمان‌ها معاوضات و بی‌پاسخی به بین‌المللی در درصد ساز می‌راند و حاکمیت آمریکا را اعاده می‌کند و از سوی دیگر، واقع گزاری آزادی عمل بی‌شعری برابر اقدام در شرایط حساس برای ایالات متحده فراهم می‌آورد. از این نگاه نیز، بررسی باید به محاسبات ابزاری دربرآوران منافع ملی آمریکا مربوط می‌شود دلته و در اغلب موارد ابتدا هزینه‌های سیاست‌های خارجی تعهد آور و سیاست‌های انتخابی نه‌اینکه که در خدمت منافع ملی و حیاتی آمریکا باشد.

(سليمان زاده: امیدی؛ برایی، 1397:15).
فصل اول: هطالعات رابط الولل، سال ۱۳۹۵

(ب) نهایت محققان از مطالعات علمی و تحقیقاتی و همچنین از اطلاعات مالی آمریکا خواهد بود. تراپم معتقد است آمریکا باید حاضر باشد و تعاملات را با هر کسی و هر کشور که لاک فکر دارد قطع کند (براوان فام، ۱۳۹۵:۱۵۲). او همچنین معتقد مخالف نقش رهبری جهانی آمریکا است و به وضع تعهدات بین المللی آمریکا را زیر سوال می‌برد.

(Hass, ۲۰۱۶) به توجهی تراپم به ارزش های آمریکایی ریشه در گرافی تجاری و عمل گرافی تراپم دارد که یکی از اصول و ارکان دولت تراپم می‌باشد. حذفیه که قانونی بالای آن را "فرا عمل گرافی غیر اخلاقی" می‌نامد (۲۰۱۷). تراپم بیشتر در سخنرانی در کنگره اظهار داشت: «وظیفه من نماینده دنیا نیست، وظیفه من این است که نماینده ایالات متحده آمریکا باشم» (Whitehouse.gov، ۲۰۱۷).

بر اساس همین، نگاه دولت تراپم در مورد برجام اعلام دارد که این توافق در راستای منافع آمریکا نیست. تراپم این توافق را "معامله‌ای بسیار بد" و "حتی بیش از" برای کشور خوانده و در موارد انتخابات مدام این جمله را تکرار می‌کرد: "۱۵۰ میلیارد دلار دادیم و هیچ نگرفتیم." شکایت اصلی تراپم این بود که آمریکا مبلغ عظیمی پول را در یک "معامله یکطرفه" خرج کرد و چیزی برای توکیه بدنی نیز ارائه نکرد.

(Kahl and Brands, ۲۰۱۷) تراپم یک نشانه دریافتی از آن داشت که «نیویورک تایمز» گفت: «ما در این توافق میلیارد‌ها دلار پول به آنها (ارمنستان) دادیم که نیاید می‌دارم. به دلیل اینکه کشور ما کشوری ورشکسته باشد، بر اساس ۱۹ تریلیون دلار است باید این پول را نگه می‌داریم» (Vatanka، ۲۰۱۶). در حقيقة تراپم رویکرد تجارت منابعه با معاهده‌های مالی با هدف بازگرداندن و مذاکره مجدد معاهدات در جهت رسیدن به یک توافق برهنه مطلوب تروای ایالات متحده را مد نظر قرار داده است. نگاه دولت تراپم به معاهده‌های مالی بر حسب دستورالعمل نسبت به این ایکه من نسبت به شما و در مقایسه با شما چه اندازه سود می‌برم؟ بنابراین تراپم به این اساس، همیشه بر یک طرفه بودن برجام تأکید کرد و دلیل خود را بر مداری همبون "ایران با برجام به پول رسد"، "برجام مانع از امکان‌های موهبتی ایرانی نمی‌گردد"، "قدرت نظریه بازرسان بین المللی محدود است"، "برخی از بخش‌های توافق دانی نیستند"، "ایران به روح توافق
پایبند نبوده است» را مطرح کرده که ریچارد هاس، رئیس شورای امنیت خارجی و یکی از‌برنده‌های ترین مشاوران و متفکران حوزه سیاست‌خانه‌ای آمریکا، در صفحه‌ی توییتر خود می‌نویسد: «سیاست‌خانه‌ای تریبال مضمون خود را بی‌پای کرده است و این دکترین خروج است». آمریکا قراردادهای مهم بین المللی را ترک کرده است. یا تهدید کرده است که از آن‌ها خارج می‌شود ازجمله: «پیمان ترنس‌باسفیک، توان‌افزایی‌های تغییرات اقیمی‌پارس، نفت‌پس و پرجم» (2017).

که بعضاً تمام آنها دستان‌دادهای دیپلماتیک دوران اوباما هستند. بر این اساس تریبال سعی در اثبات این موضوع دارد که مسیر اوباما در اداره‌کشور و تصمیماتی کشور اشتیا، بوده و سعی دارد عملکرد دولت قبلی را با تصمیماتی جدید و گاهی‌اوقات کاملاً مخالف به آن به جامعه آمریکا ارائه دهد.

در همین راستا پیشرفت‌های پنس و معاون‌دانلند، تریبال در کارزار انتخابات تأکید کرده بود که تریبال با رسیدن به کاخ سفید، پرجم را پاره خواهد کرد و به این پایبندی خواهد بود (CBSNews, 2016). تریبال تاکید کرده که تأثیر هیست‌های دکترین پس از دوبار تایید پرجم در اکثریت و توامی 2017، نهایتاً در تاریخ 18 می 2018 از پرجم خارج گردید.

3- اگاه و فهم مشترک از تهدید ایران

برجام مشاهده می‌کند توافق بین المللی دیگر در دنبالی‌ات آذربایی‌شرق بین المللی که بر کسب مزیت‌هایی تاکید کرده، داری پایبندی‌های نامطلوب نبوده است. به طوری که «منطق پایبندی‌های نامطلوب» توضیح می‌دهد. همه شبکی از اچ‌جک‌اموزی‌ها داوات‌بان‌های در سیاست‌بین المللی نمی‌تواند فارغ از نقاط ضعف بناش و به علاوه، منطق پایبندی‌های نامطلوب چنان قدرتمند است که حتی قطعیتی ترین نتایج از جمله قراردادهای یک جانبه بعد از پروژه‌ها و فناوری‌های مطلق شرایط قلمداد شود (موسیون و حسینی، 1395: 3). بر این اساس به نظر می‌رسد که پاننه نقش رییکر خاورمیانه‌ای تریبال و شکل‌گیری نوعی اتحاد.
فصل‌های هطالعات رابط بی‌یل، سال ۱۳۹۴، شماره ۸۹۳، بار ۱۸۱۹.

پژوهش‌های فیلتر نؤذ و قدرت این را را در منطقه به‌نوبه‌ای داشته است. برداشت‌شدن موانع اقتصادی ایران و موانع با حضور رسمی آن در بحران‌های منطقه‌ای باعث افزایش جایگاه و قدرت ایران در منطقه گردید. این مسئله تهدیدی برای دیگر کشورها و به خصوص قبایل منطقه ای ایران (ایران و عربستان سعودی) و هزیم‌هن فرا منطقه‌ای بین‌نیاب ایالات متحد می‌باشد. دلیل امر درنگ‌گاه بودن این کشورها از نتیج قبایل منطقه ای حذف، که حالاً کمی قدرت‌دهنده‌شده و افزایش توان نظامی آن که در آینده که می‌تواند تهدیدی جدی برای دامنه نؤذ و قدرت قبایل منطقه‌ای ایران به حساب آید (فرامرزی و صاحی‌منش، ۱۳۹۵:۴). پس طبیعی می‌نماید اقدامات تقابل جویانه‌ای در جهت خنثی‌سازی این امر انجام دهم و آن ترغیب هزیم‌هن فرا منطقه‌ای بر خروج از ارگ بنده ایران یعنی برخوردهای جدیدی نیازمند است.

بايد نوچه‌دافت که اگر چگونه انگل‌نشانی، اساتیدی تربیتی که قرار است با همکاری‌ها و ترجمه‌های نهایی ایران در منطقه‌ای تربیت‌یاب پیدا نمود، بطوریکه می‌توانی ایجاد کند اپارادی و اسارت برخی از این ایجاد کننده در جهت افزایش ثبات منطقه‌ای از رهگیری فر خطر جنگ که به عنوان عاملی در جهت افزایش قدرتی ایران در منطقه و عاملی در جهت افزایش تهدید ایران می‌پندازد. بی‌دین ترتیب‌های گروهی عمیق مشترک منابع ایران، اسارت و ایالات متحد بر سر تهدید دانستن ایران، تفسیر آن‌ها از نقص برخوردهای تقویت‌های منطقه‌ای ایران و نادیده افتادن شدن این موضوع در متن برخوردها با از جمله عوامل اساسی زمینه‌ساز خروج آمریکا از توافق هسته‌ای درنگ‌گرفت، سال ۱۳۹۷:۲.

از دیدگاه منتقدان آمریکایی، مطالعه برخوردها، تأسيسات غنی، ایران به کار خود ادامه‌خواهد داد. جمهوری اسلامی ایران همچنان به تعقیب و توسعه به منظور تولید
واکاوی عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده آمریکا از برجام

سانتوریفورسیه نسل جدید ادامه خواهد داش و در پایان ۱۵ الی ۲۵ سال و خانمی بخش مهمی از تعداد، می تواند این تکنولوژی های نوین را برای ارتقای صنعت هسته ای به کار گیرد. توافق هسته ای، ایران را به منزله کشوری در آستانه هسته ای به رسمیت می شناسد.

برخی کشورهای منطقه نگران هستند که موفقیت جمهوری اسلامی ایران در عهده سرانجام رسندن موضوع هسته ای در مذاکرات با قدرت های بزرگ جهانی، باعث فردی‌نامتیندی این کشور و تقویت نقش و نفوذ آن در منطقه شود (نوازی و قاسمی و فرصتی، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

به همين دليل هم مخالفين جهاني برجام در اين مورد بيدر شدن خشکگين شده اند. اين افراد معتقدند چون قسمت قابل توجهي از اتعهدات ايران در زمان كوتاهي به باي خواهد رسيد و محدوديت ها بر فعالیت هاي اتومي ايران بزيده خواهدشد، ايالات متحده با درهم باشيدن رژيم تحریم ها در عمل خود را در موقعیت بدنري در سال های آينده قرار داده است. بر خلاف انتظار اوليه، برجام به دنبال تحسين دادن روابط هاي منطقه‌هاي نياجمردي، بلكه كشف‌هاي ايران و رقابي منطقه‌اي را شدت بخشيد. توافق هسته ای شكل از محدودييي اتفاق است به گونه اي که ايران ظرفیت تسليحياتي خود را حفظ مي كند و در مقابل، آمريکا و شركایش تلاش مي كند ملع استفاده ایران از اين ظرفیت شوند (Singh, 2015)، در نهایت در كنار لابي گستره و متغيرهای ثانوئيه ديگر زمينه ساز خروج آمریکا از ایالات متحده گرديد که در ديل به آن پرداخته مي گردد.

اول، طبق توافق، زيرساخت فعالیت هاي هسته‌ي ايران بزيده نمي شود. پس آن دسته از رقبيUsername مي‌گردي ايران به سلاح هسته‌ي ايران، بايد از احتمال تقلب ايران، عقب نشستن از توافق و كاهش دادن زمان‌ي کوتاه‌ي ايري از نگران پايشد.

چون با خانمه یافتن عمر برجام، خوش رفعیه ای از محدودیت‌های اتومي ایران و همچنين نظرات های بین المللی بزيده خواهد شد از دیدگاه همسايان، ایران خواهد توانست در مدت زمان كوتاهي مقدمات فني‌ي دستيابي به سلاح هسته‌ي ايرا را فراهم كند. تا هنگامي که این كشورها نسبت به نيات هزمونكر ايران ترديد دارند، نمي توانند نسبت به
فصل‌های دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای یک نتیجه باشنده; هرچند این احتمال به تأخیر افتاده باشد.

دوم؛ در صورتی که ایالات متحده می‌توانست به منزله متحد قابل انتا برای بی‌پناهان
ضعیف تر در کنار این کشورها در برابر ایران انتی‌پایست، هرس این کشورها از احتمال
دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به مراتب کاهش می‌یافت، اما از منظر این کشورها، توافق
هسته‌ای نشان داد ایالات متحده با ناپدیده گرفتن این درخواست (درزمان دولت اواما) که
ایران تمامی فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف کند، در عمل تمام خود را به مصالحه با
ایران به‌های اعضا نسبت به درخواست‌های متحدنش نشان داده است (2016). (Sick، 2016).

سوم؛ از نظر عربستان سعودی، دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نمی‌تواند بدون در
نظر گرفتن رقابت این قدرت ها باید به دست گرفتن رهبری جهان اسلام و در زبان
ژئوپلیتیکی، هارتلند قدرت های اسلامی در آسیا و آفریقا، سنجیده شود. قرارگرفتن ایران
در استانه تولید سلاح هسته‌ای و موافقین آن در مذاکرات جنگ‌طلبانه با قدرت های بزرگ
توانسته ایران را به عنوان قدرت شایسته رهبری جهان اسلام قرارداده و ایران رادر شرایطی
قرار دهد که غرب تلویحا نشان آن را به عنوان برهم زنده باری در مصالحه پهناوری از
لبنان تا بنی بذرفلت است (1989، Barnaby).

چهارم؛ اسرائیل نیز بخی از محدودیت‌های ایران در سال‌های نه‌اید را جزو معایب این
توافق می‌داند و مکرراً خواستار دامنه کردن آن ها بوده است. آن ها از این پنهانی مندرج
در برجام که محدودیت‌های آنها در سال‌های آتی از بین می‌روند به عنوان پندیده‌ی «گزینه
برجام» یاد می‌کنند. طبق بند مورد نظر، ایران بعد از گذشت ۱۰ سال از زمان اجرای توافق
هسته‌ای می‌تواند شمار سانتریفیوزهای غنی سازی اورانیوم را به بیش از سقف مجاز ۵ هزار و ۶۰۰ عدد افزایش دهد. حال انتظار بتواند از ۱۵ سال هم می‌تواند سقف مجاز ۳۰۰۰ کیلوگرم ذخیره اورانیوم کمتر از مقدار ذخیره که در حالی است که
نتایجانه مدعی است رفع محدودیت حکم بازگشت ایران به نقطه صفر را دارد.
وکاکی عوامل مؤثر بر خروج ایالات منشده آمریکا از برجام

اسرائیل با یک طرف تأمین جمهوری اسلامی ایران را به عنوان تهدید و سرچشمه نامیتی برای خود تصور نموده و با هویت یک یکشی به آن، به عنوان یک دشمن که به دنیا نابودی اسرائیل است (دگری خطرناک)، اقدامات خاصی را در نظر گرفته و با تبعیض یک موقعیت استثنایی، برجام را بر علیه موجودیت خود و مهار برنامه هسته ای ایران ناکام باندیسته و سعی در جهت کارشکنی و ترغیب ایالات متحده، جهت خروج از آن اقدام نمود. بنابراین اسرائیل، جهت تضمین بقا و دفاع در این منطقه برتشنه به دنیا افزایش قدرت و دستیابی به هزمونی منطقه ای است. لذا تضعیف و اندازه‌گیری هر چچ نبی‌ی ایران در منطقه کاملاً در راستای اهداف امکانی اسرائیل است (فراموشی ای. ۱۳۹۰). نلسن اسرائیل با همراهی آمریکا در این راستا ریشه در یک منطق نظری و پر اهمیت در سپاس بین الملل دارد و آن (Nasr, 2006 & Clinton, 2010 & Hass, 2006).

۳- کنش پس‌رخ‌جویی جمهوری اسلامی ایران

اگرچه برجام با هدف حفظ و قنطار مسائل منطقه‌ای تدوین شده است اما از هرگز فرصت سازی برای پارسی‌کنش ایران به جامعه جهانی و پازکاریم را تعامل میان ایران و غرب این فرصت را ایجاد نکرده بود که طرفین بتواند راجع به سایر مسائل تنش زا به یکدیگر وارد گفتوگو شوند. ولی به دلیلی که موضوع بحث حاضر نیست برجام نتوانست در این زمینه مسیری پیش روی ایران و غرب پازکاریم و در شرایطی که ایران خود می‌توانست ابتکار عمل را در این رابطه به دست گیرد و با دست بالا داشتن خود در جراین‌های منطقه را به برگردن خود در گفتگوهای راجع به مسائل تنش را با غرب بدل نماید، که این فرصت طلایی با توجه به عملکرد پس‌رخ‌جویی جمهوری اسلامی از دست رفت.

در این نگاه برجام اگر مقدمه ای برای حل و قنطار منافشه‌های منطقه‌ای نباشد، سودمند نیست. آمریکا و چرب‌یان منطقه ای ایران امیدوار بودند، گرایش‌های توافق طلبه‌ای دولت ایران و گرایش‌هایی به شدت ضد ایرانی عربستان سعودی در صورتی که به صورت هوشنگ‌انه و روشن‌نامه مدیریت شود بتواند ایران را به سمین برجام منطقه‌ای بکشاند.
فصلٌاهِ هطالعات رٍابط بیي الولل، سال، دٍاسٌن، شوارُ، 5، بْار، 893، 1881 (Zarate, 2015).

تٞاكن ١ؿت٠ ای زض ٗحبؾجبت ثطذی ٗؿئٔ٠ ؾیبؾت ذبضخی ًكٞض ٝ ثبیؿت ثبػث ث٢جٞز ضٝاثٍ ایطاٙ ثب ًكٞض١بی.

تـییطی ایدبز ٛرٞا١س ًطز، زض حبٓی ً٠ ضییؽ خ٘٢ٞض ایطاٙ ثطایٚ ٛظط اؾت ً٠ ثطخبٕ قٌْ ُیطی كًبی زٝؾتی ٝ تؼبْٗ ایطاٙ ثب زٛیبؾت.

( Sick, 2016).

ثاطیبیث ط١سیض ییس ٗی ًٜس پؽ اظ ثطخبٕ ١یچ ػلاٗتی اظ تـییط زض ؾیبؾت ذبضخی ایطاٙ زیسٟ ٛ٘ی قٞز. ایٚ ُعاضـ ث ح٘بیت ایطاٙ اظ ثكبض اؾس، تسإٝ آظٗبیف ٗٞقي ١بی ثبٓؿتیي، ذطیساضی ؾبٗبٛ٠ ١بی خسیس ٛظبٗی اظ ضٝؾی٠، تجسیْ ایطاٙ ث٠ ثبظیِط چبٓف ثطاِٛیع ُٜٗو٠ ای، تلاـ ایطاٙ ثطای زؾتیبثی ث٠ كٜبٝضی ١بی ٗسضٙ ٗٞقٌی ٝ تحٞیْ آٙ ث٠ ٗتحساٙ ُٜٗو٠ ای اـ، كؼبّ تط
شدن گست زنی بریو دریای ایران و انجام اقدامات تحریکی آمیز در خلیج فارس اشاره کرد. همچنین در این گزارش اشاره می کند ایران می توانند از منابع مالی خود برای استفاده مبارزان شیعی مذهب اسرائیل مسلمان برای جنگ در سوریه و حمایت از بشار اسد و نیز حمایت بیشتری از گروه های مخالف در بحرین اطلاع کرده و همچنین می تواند به قطع انرژی و نجاری منطقه تبدیل شود به گونه ای که کشور ایک نوا آمریکا را برای اعمال فشارهای اقتصادی در صورت عدم اجرای توافق هسته ای، تضعیف کند (katzman, 2016).

سیما شاپی، پژوهشگر موسسه اطلاعات امنیت ملی اسرائیل با نگرش مقاله ای در سفرهای «نشان اینترنت» این پرسش را مطرح می کند که آیا برای پیغام دیگر اکثریت در سیاست خارجی ایران تغییر ایجاد کرده است؟ وی در پاسخ می گوید دولت ایران خواستار باز شدن درهای اقتصاد ایران به سوی سرمایه گذار خارجی است، ولی محافظه کاران از باز شدن اقتصاد ایران به سوی غرب نگران هستند. آنها معتقدند که این موضوع در بند مدت به نفوذ فرهنگی می انجامد و به ضرر نظام است. حفظ نظام، هدف نهایی حکومت ایران بوده و هست. جناح دولت معتقد به اجرای مدل جنبی، یعنی باز پادن اقتصاد به رغم انعکاف پذیری سیاسی است، در حالی که اقدامات مخالف می گوید این مدل مشابه اقدام گوربایف در شورای سابق خواهد بود و ممکن است تهدیدی برای کلیت نظام باشد (Shine, 2016).

پارلمان اروپا گزارشی با عنوان ‹راهبرد اتحادیه اروپا در روابط با ایران پس از توافق هسته ای› منتشر کرد و برای نظر است که هر چند ایران وانهمود می کند برای ترمیم شکاف های موجود در روابط خود با کشورهای منطقه نیاز به می کند. ولی این کشور علایم های مخرب خود را رها نکرده است. کشورهای منطقه هر سیاست های توسعه طلبانه ایران هستند. این امر می تواند به شعله های فرقه گرایی در آئینه تندیک در منطقه دام بزند و به جنگ سرد درون منطقه ای منجر شود (Eunion, 2016).
کارشناسی های منطقه ای ایران به معنا اخلال در روند اجرای برنامه‌های اقتصادی و سیاسی است. این گونه بی‌رو معنی می‌شود که اگر ایران همچنان از فعالیت‌های تحریک آمیز و خطرناک در منطقه دست برندارد و به طور آشکار نشان ندهد که می‌تواند به عنوان یک باریک قابل اعتماد و شفاف در نظام مالی جهانی تعامل کند. در موضعی نخواهد بود که انگار سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور داشته باشد ولی اینکه فرصت‌های جدی‌بی در این کشور برای سرمایه‌گذاری خارجی وجود داشته باشد (Zarate, 2015).

نداشت درک درست از ساختار حکومت و جایگاه و کارکرد و ترکیب این کارگزاران نبود از این کارگزاران ها در سلسله مراتب و ساختار تصمیم گیری و شناخت نش خود را در ارتباط با دیگر نهادها و سازمان‌ها و همچنین عدم انجام ساختاری در سیاست خارجی ایران صدمات جیران نابیندی به منافع ملی کشور وارد نموده، به طوری که هر یک از مراکز متعدد تصمیم گیری بدون هماهنگی لازم و کافی با دیگران، ساختارهای متعددی را ایجاد کرده اند که کارکردها تعامل با یکدیگر ندارند و علاوه بر شکل گیری ساختارهای موازی با ساختار تصمیم گیری رسمی در قانون اساسی، ما شاهد ظهور یک دستگاه فرایندهای هستیم که با خود مختل شده و بدون هماهنگی با ساختار رسمی در فرایند تصمیم گیری و سیاست‌گذاری مداخله می‌کنند.

این مرکز متعدد تصمیم گیری نپا دستگاه دیپلماسی کشور را با کارآمد جلوه می‌دهد بلکه تولید و ارسال پیام‌ها و متعارضات از کشور، بازیگران مقابل را نیز دچار این گرندان و بلافاصله می‌نماید. این تفاوت در نشان دهنده زمانی که به تصمیم گیری مشخص و سیاست خارجی نزدیک می‌شوید، منجر به پی چسبیده‌ی یا رفتن ناهماهنگی توسط واحد های مختلف نهاد در سیاست خارجی می‌شود. نهایتاً، در اعمال سیاست خارجی خود موجب پیامدهای جدی در کشور زمینه و جنگ احداث یک کشور در سطح جهانی شود. این مسئله زمانی جدی و می‌شود که اهداف مشترک، بطوری که هم‌مردمان درحال اجرا باشند، به طوری که رهبر اقلام در منابع های مختلف اظهار کرده اند که «توافق هسته ای در سیاست خارجی ایران در روابط با آمریکا تغییری ایجاد نخواهد کرد» و در ادامه
همهی سیاست‌های از برجام نیز شاهد سخنرانی‌های شدید ضد برجامی، به آش‌کشیدن سفارت عربستان، تداوم آزمایش موشک‌های بالستیک و شماک موشکی با شعار محو اسرائیل، حمایت ایران از بشار اسد، خریداری سامانه‌های جدید نظامی از روسیه، تبدیل ایران به بارگر چالش برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تلاش ایران برای دستیابی به فناوری های مدرن موشکی و تحول آن به متحدان منطقه‌ای و انجام اقدامات تحریک آمیز در خلیج فارس هستند. اینها حل‌های زنجیری است که بخت رفع سریع تحریم‌ها و اطمینان شرکت‌های خارجی به سرمایه‌گذاری در ایران را بسیار کم نمود و این تازه در شرایطی است که در حالت عادی نیز جلاب اطمینان در محافل اقتصادی بسیار دشوار است و این در تضاد کامل با نظر رئیس جمهور ایران است که اعتقاددارد، برجام باعث شکل‌گیری یک گروهی دوستی و تعامل ایران با دنیا خواهد شد. این امر موجب انتقادی در سیاست خارجی ایران شده است، یک چهره، سیاست تعامل با گرب در جنوب‌شرقی منطقه هسته‌ای و چهره دیگر برتی هژمونیک ایران در عراق، سوریه، پیام و بحرین را به نمایش می‌گذارد (Chathamhouse, 2016).

شاید تئوری بازی‌گران عاقلی، تئوری فرانکلین اثرگذار تصمیم‌گیری نباید ولی نمایندگی می‌دهد که در عرصه سیاست خارجی، با بازی‌گران وارد اکثریت داشته باشند. نه بازی‌گران متعددی که فاقد هماهنگی لازم هستند. اظهار نظر های تصمیم گیرندگان کشورهای دیگر در مورد سیاست خارجی آشفتگی می‌سازد که تصمیم گیرندگان سایر کشورها چگونه تحت تأثیر این عدم هماهنگی و تعداد مراکز تصمیم‌گیری در سیاست خارجی فشار گرفته اند. فرانکلین تصمیم گیری های متعارض در سیاست خارجی ایران بیش از انگه معلول استراتژی قبلی و هدفمند باشد، محصول ناهمگانی‌های ساختاری متعدد و تصمیم‌گیری غیر منسجم است (دهقانی فیروزآبادی، 1381: 31). حداقل رفتارها در بعضی از موارد خاص مانند توافق جامع هسته‌ای موسوم به برجام و مسائل پس از آن، برجام این تشتی است.
نتیجه گیری

استقرار والد یا نقش اصلی موانعن قوا و با طرح نظریه موانعه تهدید بیان گردید، آنچه باعث حركة کشورها به سوی توافق می‌شود، میزان تهدیدی است که ادراک می‌کنند. از دیدگاه وی دولت‌ها در مقابل کشورهایی که مشاهد بی‌عرضی تهدید‌دان می‌شوند، منظره‌ی از تهدید فقط به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد بلکه برداشت دولت‌ها در روابط شان از تهدید می‌باشد. هرج و م>[]و دولت‌ها احساس کند که موجودیت منافع آنها از سوی دیگر دولت‌ها با تهدید روبرویه با اتحاد با یکدیگر به موانعه در برآور آنها می‌بازند.

بنابراین تهدیدات خارجی عامل عمده‌ی در شکل گیری اتخاذ‌های هستند و تهدیداتی که موجودیت و منافع دولت‌ها به ویژه آنها که دفعه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی مشترک داشته باشند را بی‌شرتشته تأثیر قرار می‌دهد، لذا برای شکل گیری اتخاذ‌های با بد به عامل یعنی تهدید مشترک و منافع مشترک وجود داشته باشد چگونه می‌تواند رشد احساس و انگاره تهدید مشترک از جمهوری اسلامی ایران در فضای یک برجام در ایالت متحده، اسرائیل و عربستان سعودی و هرکدام با دلایل مختلف خود وجود آمد.

به عبارت دیگر، آنچه جریان اصلی سیاست خارجی ایرانی‌ها ترجمه‌ای را شکل می‌دهد، برداشت و درک ایشان راجع به افزایش عوامل قدرت ساز جمهوری اسلامی ایران در منطقه در فضای پاس‌برجام می‌باشد. چنین روندی را نیز می‌توان بخاطر منابع منطقه‌ای یک ترجمه‌ای بدیه‌نامه، بطوریکه می‌توان ادعا کرد، عربستان سعودی و اسرائیل برجام‌ها را به عاملی در جهت افزایش ثبات منطقه‌ی از رهگیری و نفوذ خنده که به عواملی در جهت افزایش فاکتورهای قدرتی ایران در منطقه و عاملی در جهت افزایش تهدید ایران می‌پنداخت، بوده ترتیب شکل گیری فهم مشترک میان عربستان، اسرائیل و ایالات متحده بر سر تهدید دانستن ایران، تفسیر آنها از نقش برجام در تقویت حضور منطقه‌ای و توان موشکی ایران و نااقدی انتقالی شدن این موضوع در متن برجام را باید در چنین عوامل اساسی زمینه‌ی ساز خروج آمریکا از توافق هسته‌ای دنیز روی کره از انتخاب این کشورها و ایالات متحده، ایران پس از برجام به فرصت‌ها و مزايا دست یافته است که
خواه یا ناخواه افزایش نفوذ و قدرت آن را در منطقه به دنبال داشته است. برداشتی شدن
مواد اقتصادی ایران و موافقت با حضور رسمی آن در برخی های منطقه ای باعث افزایش
جابه‌گاه و قدرت ایران در منطقه گردید. این مسئله تهدیدی برای دیگر کشورها و به خصوص
رقبای منطقه ای ایران (اسرائیل و عربستان سعودی) و هزیم فرا منطقه ای عنی ایالات
متحده تصور گردید. دلیل این امر در ناگاه بودن این کشورها از نتیجه قدرت منطقه ای خود
که حالاً کمی قدیرمتر شده و افزایش قدرت نظامی آن که در آینده می‌تواند تهدیدی
جدید برای دامنه نفوذ و قدرت رقبای منطقه ای ایران به حساب آید. پس طبیعی می‌یابد
بر اساس نظریه استفان والت، اقدامات تقابل جویانه ای در جهت ختی سازی این امر انجام
دهند و آن ترکیب هزیم فرا منطقه ای بر خور از یک برندی ایران یعنی پرمود بود.

متفاوت می‌باشد و تأثير گذار بعید و بی‌گم‌های شخصی دونالد ترامپ و نی‌داده‌ی سیاست
خارجی او می‌باشد که به عنوان یک کاتالیزور خروج ایالات متحده از برجام را تسریع نمود.
در دولت ترامپ همکاری های سیاسی کاملاً غیرشیک و منتبتی بر منافع ملی آمریکا
طرف‌الشده است. ترامپ معنی‌دار است آمریکا باشد حاضر باشد تعاملات را با هر کسی هر
کشوری که لازم باشد قطع کند. ای همتین به صراحت مختلف نقاط رهبری جهانی
آمریکاًست و به وضوح تهدیدات بین المللی آمریکا را زیر سوال می‌برد. بی توجه‌تر ترامپ به
ارزش‌های آمریکایی رشته در گروگان‌های تجاری و عمل گروگان‌های تجاری. ترامپ روبرو به
تجرات مالیه به معادلات بین المللی با هدف بازنگری و منطقه‌ی مجدد معادلات در جهت
رسیدن به یک توافق بهتر و مطلوب تر برای ایالات متحده را می‌نشاند. است. بر
اساس همین نگاه دونالد ترامپ در مورد برجام استفاده داردکه این توافق در راستای منافع
آمریکاًست. ترامپ این توافق را "معاملهای بسیار بد" و "خجالت‌آور" برای کشور
خوانده و در مبارزات انتخاباتی مدام این جمله را تکرار می‌کرد. سیاست خارجی ترامپ
مضمون خود را پیدا کرده است و آن دکترین خروج است. آمریکا فراداده‌ها مهم به
مللی را تکر کرده است به تهدید کرده است که از آنها خارج می‌شوند ازجمله "پیمان
ترنس لاسیفک، توافق نامه تغییرات اقتصادی پارس، نفت، یونانسو و برجام" که بعضاً نام
آنها دستاوردهای دیپلماتیک دوران اواما هستند. بر این اساس ترامب سعی در اثبات این موضوع دارد که مسیر اواما در اداره کشور و تصمیمات کشور انگیزش بوده و سعی دارد عملکرد دولت قبلی را با تصمیمات جدید و گاهی اوقات کاملاً مخالف با آن به جامعه آمریکا ارائه دهد.

منفی سوم به عملکرد و کنش یکی برای متناقض جمهوری اسلامی بر می گردد به طوری که برای با توجه به طرفیت بالقوه آن می توانست در ابعاد منطقه ای راهگشا باشد. اما به علت عملکرد دوگانه و متناقض یکی برای متناقض جمهوری اسلامی، برجام در رسیدن به اهداف مورد انتظار خود دچار جالب اساسی گردید و ناکارآمد جلوه نمود. برجام در ذات خود و در نفسه پیام اور و توافق نامه صلح و دوستی بوده و عملکرد جمهوری اسلامی در ابعاد منطقه ای با دادن پاسها منفی به طرف غربی و کشورهای منطقه باعث تشکیل تصویری از جمهوری اسلامی گردیده و ناکارآمدی هر چی بهتر برجام را به آنها مخابره می نمود. شاید نظریه ازبین غافل بزارگانده فرایند تصمیم گیری نیاپند و لی کشورها ترجیح می دهند که در عرصه سیاست خارجی با بایرگاخ واحده تعامل داشته باشند. بازیگان متعهدی که فاقده هم‌هم‌هم یا لازم هستند اظهار نظر یا تصمیم گیری‌دان کشورهای دیگر در مورد سیاست خارجی اشکال می سازد که تصمیم گیرندگان سایر کشورها چگونه تحت تأثیر این عدم تام‌هم‌هم و تعهد مراکز تصمیم گیری در سیاست خارجی قرار گرفته اند. فرایند تصمیم گیری های متشابه در سیاست خارجی ایران بیش از آنکه متعلل استراتژی قبیلی و هدفمقدم باشد، همراه با تأمین ناهم‌هم‌همی ساختاری متعدد و تصمیم گیری غیر منسجم است. حداکثر رفتارها در بعضی از موارد خاص مانند توافق جامع جهت ای موسوم به برجام و مسائل پس از آن، بیانگر این تنها است. این امر موجب دوگانگی در سیاست خارجی ایران شده است. یک چهره سیاست تعامل با غرب در جج‌هم‌هم مذاکرات هسته ای و چهره دیگر، برتری هژمونیک ایران در عراق، سوریه، اذیت و بحرین را به نمایش می گذارد.
وکاوی عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده آمریکا از برجام

مباحث:
- حاجی پویسی، امیر محمد. (۱۳۸۲). ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.


لیبرتی، ریچارد. (۱۳۸۹). نظریه های موازنه قوا. ترجمه غلامعلی چنگی زاده، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ایران معاصر.

- مشیر زاده، حمیدا. (۱۳۸۶). تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران، انتشارات سمت.

- اسدی، علی اکبر. (۱۳۸۶). «تالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی». فصلنامه راهبردی، سال نوزدهم، شماره ۵۶.


- پرین، دومنیک و دوکل لوی. (۱۳۸۷). «خروج ایالات متحده از توافقت‌نامه ون بپرامون برنامه هسته ای ایران: یک وضعیت حقوقی منتفی» نسخه فارسی ترجمه شده توسط حقوق‌دانان انجمن کمیسیون مسائل ایران، تجییل‌های حقوقی.

- دهقانی، فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۱). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، روندها و بازنمایی» فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره سوم.

- سجادی‌پور، سید محمد و اجتهادی، سعید. (۱۳۸۴). «گذرش امنیتی غرب و تهدیدات بین المللی پس از جنگ سرد مطالعه مورثی برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران». دو فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی دوره ۵ شماره ۱۱.

- سلیماناندازه، امیر و امیدی، علی و پرایی، سحر. (۱۳۸۷). «راهنمای سیاست خارجی ترامپ، هنرپیمایی نژادگرایی و واقع گرایی». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، شماره ۲۸.

- سوری، روح الله. (خرداد۱۳۷۹). «خروج آمریکا از برجام، فرصت‌ها و موانع پیش رو» مرکز بین المللی مطالعات صلح.
فصل‌های هطالعات رابط بی‌ی الولل، سال دانستن، شماره ۵۴، دوره دوم، شماره ۸۹۳.

بی‌حی، ئیس حیع٘ ی كطاٗطظ، احیای (۱۳۹۵). «وفت ثطخبٕ زض تكسیس ٝاُطایی ثیٚ ایطاٙ ٝػطثؿتبٙ».

فصل‌های پضٍّش هلل، زٝضٟ زٕٝ، ق٘بضٟ ۱۴.

هٞإ، ػجسآؼٔی ٝ ای٘بٛی ١٘ت.

«ظطی٠ ١بی ضئبٓیؿتی زض ضٝاثٍ ثیٚ آْ٘ٔ».

فصل‌های سیاست، دستاٍردّا، ی الشاهات ت٢طاٙ، اٛتكبضات پٝ١كٌسٟ ُٗبٓؼبت ضا١جطزی.

- مشیرزاده، حمیا و مسعودی، حیدر علی. (۱۳۸۸). «هویت و حیزه‌های مفهومی روابط بین الملل». فصلنامه سیاست، مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۴.

- موسویان، سید حسین و حسینی، دیاکو. (۱۳۹۵). «منطق بی‌پایه‌های مطلوب و نامطلوب برجام» از کتاب برجام سیاست‌ها، دستاورد، ی زامات، تهران، انتشارات بژوهشکده مطالعات راهبردی، نوازی، بهرام و قاسمی، حاکم و فرستانی، شهرام. (۱۳۹۴). «ارزیابی محافل غربی از پیامدهای خاورمیانه ای برجام برای سیاست‌های خارجی ایران». فصلنامه سیاست خارجی.